

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

س. رها

۲۸ جون ۲۰۱۳

باز هم فاجعه

مدخل: سلام های پراز احساس ورفیقانه خود را خدمت تمامی رفیقان مبارز و به خصوص کسانی که از تریبون پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" زندگی را برای نوکران امپریالیسم وارتجاع و تفاله های بدبوی خلق و پرچم تلخ ساخته اند، تقدیم داشته و از ارائه پاسخ کامل وجامع رفیق "خالق داد پغمانی" ابراز تشکر می کنم واین خود نشان داد که انتخاب هر نام و تخلصی باید روی یک اساس و اصول باشد نه این که مثل "مائویست های عجیب و غریب" حتی نام خود را نیز از روی علایق وروابط واز درجه محدود قوم پرستی انتخاب کرد.

روز گذشته خانه همسایه ام پذیرائی از مهمانانی می کرد که به تازگی از ناحیه جبرئیل هرات آمده بودند.

چون این قلم قبلاً با دوتن از مهمانان آشنائی داشتم، آنها از میزبان خود خواسته بودند تا صدایم کرده و چند لحظه ای از اوضاع این طرف و آن طرف بین خود قصه کنیم، زمانی که من داخل اطاق شدم دو مهمان مرد و دو زن را دیدم، در آن میان با مرد مسنی آشنائی پیدا کردم که خیلی با احساس بود هر چند معلوم بود که او هیچ وقت یک شخصی چپی نبوده یعنی من حیث یک مبارز در یک جریان چپی شامل نبوده اما وقتی همان شور و اشتیاق مبارزاتی اش را می دیدم باخود می گفتم ای کاش همان "پنیر های هالندی" که از شش گوشه دهان خود مائویسم می پرانند اندکی حتی به اندازه یک فیصد شور، احساس و شرافت این مرد را در خود ها می داشتند.

زمانی که سختم با مرد مسن به سیاست کشید به طور اجمال نظرش را درباره تحولات سه و نیم دهه اخیر در افغانستان جویا شدم دیدم با خشم و نفرت تمام، دوران های یکی سیاه از دیگری را محکوم کرد من دقیقاً این جمله را از زبانش شنیدم:

"بچیم پشت گپ نگرده، در این وطن هر کسی ولو باهر نام که آمد به جز جنایت و خیانت به همین وطن چیزی دیگری را به ارمغان نیاورد، کمونیستان خلق و پرچم زیر نام خدمت به خلق مارا دریدند و تباہ ساختند هر چند از کمونیسم چیزی نمی دانم ولی باخود فکر می کنم که اگر کمونیسم همین باشد پس چرا در روسیه و چین از آن به خوبی یاد می کردند و آن را بهشت روی زمین برای آدم های غریب می خواندند؟ و کسان دیگر هم که زیر نام اسلام آمد چون من خودم یک مسلمان هستم به خوبی می دانم که کارهای اینها ذره ای با اسلام هم موافقت ندارد... خلاصه نه اسلام شان برای ما کار کرد و نه کمونیست شان"

درجملات ذکر شده هرچند موافقت خود را نشان می دهیم اما این که آن پدر مسن چرا رویزونیست های خلق و پرچم را ناآگاهانه کمونیست می خواند و یا این که چرا از اسلام به دفاع برمی خاست بحث جداست که گنجاندنش در این نوشته کوچک از حوصله و ظرفیت دور است.

مرد مسن زمانی که عاملین ویرانی های وطن و بدبختی های هموطن خود را با جملات نفرت انگیز مزین می ساخت پی بردم که او این جملات را نه از لابه لای کتاب ها آموخته و نه کسی درگوشش پیچکاری کرده است، اوفقط حکایتی از واقعیت های حقیقی را می کرد همان حقیقت هائی را که او با از دست دادن دو بچه و یک برادرش، دریافته بود.

کنه مطلب:

در آخر مهمانان قضیه ای را از شهر جبرئیل هرات بیان کرد که برایم بسیار تکان دهنده بود.

قضیه از این قرار است:

درشهر جبرئیل هرات شخصی به نام "عوض" در تاریخ بیست و هشت جوزا از اثر شدت فقر و تنگدستی روی مسأله ای با زنش دعوا کرده و در این میان به خاطر فرونشاندن عصبانیت خود دختر دوساله اش را می کشد.

عوض که تقریباً مدت یک سال است بی کار به سر می برد وزمانی که شش ماه قبل به طور قاچاق به طرف ایران می رود به محض رسیدن به آنجا دستگیر شده و "ردمرز" می شود، چهار ماه بوده که کرایه خانه را نپرداخته و در طول این چهار ماه اندک خوراکی بخور و نمیرش را نیز به صورت قرض از دکان های آشنا می آورده است، بالاخره روزی از روزها صاحب خانه بعد از چندبار اخطار عاجل به عوض می گوید که یا امروز کرایه چهارماهه خانه را می دهی یا فوراً خانه را ترک کرده و اجناس به درد بخورت را پیش من تاتحویل کرایه خانه به گروهی می مانی، عوض با اعصاب نا آرام و خراب به خانه می آید که درکنار این همه مشکلات زنش می گوید درطول عمر دوساله "مهسا" ما حتی یک بار هم برایش یک جوره لباس نخریدیم ولی حالا که او هیچ لباس برای پوشیدن ندارد به هرطریقی شده باید یک جوره لباس برایش بگیری وگرنه کاملاً لج مانده است، عوض پیش خود فکر می کند کرایه خانه، قرض داری دکان، عدم وجودمواد خوراکی و... تمام این ها درشرایطی است که کوچکترین کار ودرآمدی ندارم و با این حال غم دیگری برغم های دیگر اضافه شد، لباس برای اولادان.

توان و تحمل عوض از پذیرفتن این همه مشکلات عاجز مانده و با چاقو گلوی مهسای دوساله اش را می برد تا دیگر خریدن لباسی درکار نباشد.

مرگ بر امپریالیسم وارتجاع!

مرگ بر تفاله های خلق و پرچم!

زنده باد جنبش انقلابی کشور و مبارزات مردم ما

(س.رها)